

اخلاق اسلامی و طب روحانی

اصغر هادی

چکیده

طب روحانی یکی از سه دیدگاه مطرح در برخورد با مسائل اخلاقی در میان دانشمندان اخلاق اسلامی است. در این دیدگاه، روح انسان همچون جسم او، گرفتار انواع بیماری‌ها می‌شود و برای درمان آن باید از طبیب روحانی و داروهای معنوی بهره گرفت تا روحی سالم، پرنشاط و ملکوتی پیدا کرد. پژوهش حاضر در صدد پاسخ به این پرسش است که بر اساس این دیدگاه چه تحلیل و تبیینی از روایات درباره طب روحانی می‌توان ارائه کرد؟ برای پاسخ به این سؤال، روایات ذکر شده در این باب، با عناوینی مانند: چیستی طب

- دارای مدرک سطح چهار و استادیار گروه پژوهشی اخلاق پژوهشکده مطالعات اسلامی وابسته به پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی دفتر تبلیغات اسلامی.

emammontazar@yahoo.com

تاریخ تأیید:

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۵/۰۴

۱۳۹۳/۰۶/۲۵

روحانی، طبیبان طب روحانی و بیماران طب روحانی، دسته‌بندی شده است. نتیجه این تحقیق آن است که: اخلاق اسلامی با این نگرش، از اخلاق با اهداف مادی و صرفاً دنیوی، متمایز می‌گردد؛ چراکه در این نگاه، ثمره اخلاق، رسیدن به قلب سلیم است و اخلاق بندگی و ویژگی‌های معنوی که در دیگر مکاتب اخلاقی از آن خبری نیست، برجسته می‌شود.

واژه‌های کلیدی

طب روحانی، طب جسمانی، طب قلب، طب جسد، رازی، اخلاق اسلامی.

مقدمه

دیدگاه جهاد اکبر، دیدگاه سیر و سلوک و دیدگاه طب روحانی، سه دیدگاهی است که در برخورد با مسائل اخلاقی در میان دانشمندان علم اخلاق مطرح شده است. به اختصار به بیان آن‌ها می‌پردازیم:

دیدگاه اول: جهاد اکبر

در این دیدگاه، تهذیب نفس نوعی جهاد و مبارزه با دشمنان درونی است که در کمین انسان‌ها هستند. این دیدگاه از حدیث معروف پیامبر ﷺ گرفته شده است؛ آنجا که گروهی از مجاهدان اسلام را به سوی میدان جهاد فرستاد؛ هنگامی که از جهاد بازگشتند، فرمود:

مَرْحَبًا بِقَوْمٍ قَضَوْا الْجِهَادَ الْأَضْعَرَ وَ بَقِيَ عَلَيْهِمُ الْجِهَادُ الْأَكْبَرُ، فَقِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا الْجِهَادُ الْأَكْبَرُ؟ قَالَ ﷺ: جِهَادُ النَّفْسِ؛ آفرین بر جمعیتی که جهاد اصغر را انجام دادند و جهاد اکبر بردوش آن‌ها مانده است؛ گفته شد: ای رسول خدا جهاد اکبر چیست؟ فرمود: جهاد با نفس. (کلینی، ۱۳۶۷: ۵، ۱۲ در این باره

نک: مکارم شیرازی، ۱۳۸۷: ۱، ۱۲۲ تا ۱۲۴)

کتاب‌های تدوین شده با عنوان «جهاد النفس» مانند: «ابواب جهاد النفس و ما یناسبه» از کتاب «وسائل الشیعة» در همین راستا تدوین شده است. (حر عاملی، بی تا: ۱۱، ۱۲۲ تا ۳۹۲)

بر اساس این دیدگاه تخلق به اخلاق الله، عادت دادن نفس به فضایل، دورکردن نفس از رذائل اخلاقی و خواهش‌های نفسانی، جهاد اکبر است.

دیدگاه دوم: سیر و سلوک

در این دیدگاه، انسان‌ها به مسافرانی تشبیه شده‌اند که از نقطه عدم به راه افتاده و به سوی لقاء الله و قرب ذات پاک حق تعالی، که از هر نظر بی نهایت است، پیش می‌روند. (در این باره نک: مکارم شیرازی، ۱۳۸۷: ۱، ۱۲۸ تا ۱۳۱)

آیاتی که بر رجوع الی الله (بقره/ ۱۵۶ و مانند آن) و لقاء الله (انشقاق/ ۶ و مانند آن) دلالت دارد، به سلوک الی الله اشاره می‌کند. بر اساس این دیدگاه، انسان باید مراتب و مقاماتی را برای رسیدن به لقاء الله پشت سر گذارد. هدف در این اخلاق، تخلق به اخلاق و فناء فی الله است.

اخلاق عرفانی که یکی از رویکردهای اخلاق اسلامی است، به این مراتب و مقامات، تصریح می‌کند.^۱

دیدگاه سوم: طب روحانی

در این دیدگاه، روح انسان همچون جسم او گرفتار انواع بیماری‌ها می‌شود و برای درمان آن باید از داروهای معنوی بهره گیرد تا روحی سالم، پرنشاط، پرتلاش و فعال پیدا کند.

۱- درباره اخلاق عرفانی و مراتب و مقامات آن و نیز آثار تدوین شده در این زمینه، نک: جمعی از نویسندگان، کتابشناخت اخلاق اسلامی، ۳۶ تا ۴۸، و ۱۵۸ تا ۲۵۴.

در قرآن فرازهایی مانند: «فی قلوبهم مرض» (بقره/۱۰)، «فی قلبه مرض» (احزاب/۳۲) و «بقلب سلیم» (شعراء/۸۹) بر این دیدگاه دلالت دارد. (در این باره نک: مکارم شیرازی، ۱۳۸۷: ۱، ۱۲۴ تا ۱۲۸)

معروف‌ترین اثر در این موضوع، کتاب «طب روحانی» اثر محمدبن زکریای رازی (۲۵۱-۳۲۳ ق) است. به گفته برخی از محققان: وی در این کتاب، آگاهانه از رویکرد دینی و نقلی دوری کرده است. (فرامرزی قراملکی، ۱۳۹۰: ۷)

پژوهش حاضر بر اساس دیدگاه سوم (طب روحانی)، به دسته‌بندی روایات نقل شده در این باب می‌پردازد.

طرح مسئله

پرسش مقاله پیش‌رو، براساس دیدگاه سوم، طب روحانی، در برخورد با مسائل اخلاقی، این است که براساس این دیدگاه چه تحلیل و تبیینی از روایات درباره طب روحانی می‌توان ارائه کرد؟

مقصود از روایات در این پرسش، روایات مأثور از پیامبر ﷺ روایات اهل بیت علیهم‌السلام است. در این میان، هم‌چنین مطالبی از دانشمندان اسلامی در تبیین روایات ذکر می‌شود.

هدف از تحقیق، بهره‌مندی انسان‌ها از این روش در تربیت نفوس بر اساس آموزه‌های ارائه شده از سوی پیامبر و امامان به حق ﷺ و هم‌چنین آشنایی بیش‌تر علاقه‌مندان به مباحث اخلاقی با این رویکرد و گسترش این‌گونه مباحث است.

افزون بر آیات و روایات، پیشینه پژوهش را می‌توان به‌طور پراکنده، در کتب اخلاقی و اخلاقی‌روایی پیدا کرد؛ آنجا که دانشمندان اخلاق، به درمان صفات رذیله اخلاقی می‌پردازند.

معروف‌ترین اثر در این موضوع کتاب «طب روحانی» اثر محمدبن زکریای رازی است. در مقدمه گفته شد، این کتاب بهره‌ای از وحی و روایات مأثور در تبیین نظام اخلاقی خود نبرده است.^۱

ابوالفرج عبدالرحمن این جوزی (متوفای ۵۹۷) کتابی به نام «الطب الروحانی» نوشته است. او در این کتاب، مطالب کتاب رازی را با آیات، احادیث، اشعار، امثال و حکم آمیخته است. (محقق، ۱۳۵۲: ۱۵۸ و ۱۵۹)

کتاب «طب روحانی» اثر سید کاظم ارفع، در بیان چهل بیماری و ردیلت اخلاقی و درمان آن، از نگاه روایات است. این کتاب، تنها در مقدمه (ارفع، ۱۳۷۳: ۹ تا ۱۱) به بیان طب روحانی پرداخته و از روش و ساختار خاصی در گزینش ردائل چهل گانه، بهره نبرده است و تنها با این نگاه که ردائل نوعی بیماری‌اند، آن‌ها را زیرمجموعه طب روحانی ذکر کرده است. امتیاز پژوهش حاضر، در این است که با جمع‌آوری روایات و دسته‌بندی آنان، تحلیل و تبیینی از روایات، براساس دیدگاه سوم، ارائه می‌کند:

دسته‌بندی روایات یادشده در سه‌بخش زیر انجام می‌شود:

۱. چیستی طب روحانی؛ ۲. طبیبان طب روحانی؛ ۳. بیماران طب روحانی.

چیستی طب روحانی

۱- انواع طب

علامه مجلسی درباره انواع طب می‌گوید:

۱- برای آشنایی بیشتر با این کتاب نک: محقق، ۱۳۸۹: ش ۶ و ۷، ۵ تا ۱۳؛ محقق، ۱۳۵۲: ۱۵۵ تا ۲۱۰؛

اذکائی، ۱۳۸۴: ۷۴۰ تا ۷۴۸.

طب دو نوع است: طب جسد و طب قلب که درمان آن تنها به وسیله آن چیزی است که از رسول خدا و از پروردگار بلندمرتبه‌اش رسیده باشد. و اما طب جسد، بخشی از آن، توسط رسول خدا ﷺ نقل شده و برخی دیگر، از غیر آن حضرت به ما رسیده است و غالب آن به تجربه بازگشت دارد.

(مجلسی، ۱۴۱۲: ۵۹، ۷۸)

این عبارت از ایشان که برگرفته از دیدگاه روایات است، به این نکته دلالت دارد که روح انسانی همچون جسم انسانی دارای بیماری و درمان است و شارع مقدس، تنها طبیب آن است. درمان آن تنها از سوی وی صادر می‌شود و درمان‌های دیگران نافذ نیست. مقصود علامه مجلسی از اینکه: «طِبُّ قَلْبِ تَنْهَاهُ بِهٖ وَسِيْلَةٌ اَنْ يَّجِيَّ رَسُوْلُ خُدَا ﷺ وَ يُوْرِدْ غَاْرَشْ نَقْلٌ شَدِيْدٌ اَسْتِ، دِرْمَان مِي يَابِدْ، كَلَامٌ صَادِرْ شَدِيْدٌ اَزْ مَصْدَرِ وَحْيِ اَسْتِ كِهْ بِهٖ وَاسِطَةٌ يَمَامِيْرْ، دِرْ قُرْآنِ وَ سُنْتِ نَبَوِيْ مَنْعَكْسِ شَدِيْدٌ وَ دِرْ كَلَامِ اَهْلِ بَيْتِ اَلْبَيْتِ اَلْمُكْرَّمِ تَبْيِيْنٌ شَدِيْدٌ اَسْتِ.

طب قلب، در برابر طب جسد، همان طب روحانی است. قلب در قرآن و روایات، آن‌جا که در مقابل جسد است و به بُعد معنوی انسان دلالت دارد، عبارت است از روح و نفس ناطقه انسانی که درک و شعور انسانی متعلق به آن است. (درباره قلب در قرآن، نک: طباطبایی، ۱۴۱۴: ۲، ۲۲۳)

ابن قیم جوزی در *الطب النبوی* به دو نوع مرض اشاره می‌کند: (الجوزی، بی تا: ۲۱) مرض ابدان و مرض قلوب. وی مرض قلوب را در قرآن دو نوع می‌داند: مرض شبهه و شک و مرض شهوت.^۱ این تقسیم، به قرینه تقابل، بر

۱. فرموده خداوند در قرآن ﴿فِي قُلُوْبِهِمْ مَّرَضٌ فَزَادَهُمُ اللهُ مَرَضًا وَاللَّهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ﴾ (البقره/۱۰)؛ ﴿فَتَنَّى الَّذِينَ فِي قُلُوْبِهِمْ مَّرَضٌ يَسَارِعُونَ فِيهِمْ يَقُولُونَ نَحْسِيْنَا أَنْ تُصِيبَنَا دَائِرَةٌ فَعَسَى اللهُ أَنْ يَأْتِيَنَّ بِالْفَتْحِ أَوْ أَمْرٍ مِنْ عِنْدِهِ فَيُضْبِحُوا عَلَيَّ مَا أَسْرُوا فِي أَنْفُسِهِمْ تَادِمِينَ﴾ (المائدة/۵۲)؛ ﴿إِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ

طب ابدان که همان طب جسد است و بر طب قلوب که همان طب روحانی است، دلالت دارد.

روایت نقل شده از پیامبر ﷺ (مجلسی، ۱۴۱۲: ۱، ۲۲۰) که فرمودند: «العلم علمان: علم الأبدان وعلم الأبدان» (مجلسی، ۱۴۱۲: ۱، ۲۲۰) برای تقسیم‌بندی دلالت دارد.

۲- تعریف طب روحانی

از مطالب بیان شده، در انواع طب روحانی و مقایسه آن با طب جسمانی، به تعریف آن پی می‌بریم. با این وصف، تعاریف اهل فن را در این باره یادآور می‌شویم: میرسید شریف جرجانی در تعریف طب روحانی آورده است:

الطب الروحانی هو العلم بکمالات القلوب و آفاتها و امراضها و ادوائها و بکیفیه صحتها و اعتدالها؛ طب روحانی عبارت است از علم به کمالات و آفات دل‌ها و بیماری‌ها و دردهای آن‌ها و نیز علم به چگونگی سلامتی و میانه‌روی آن‌ها. و نیز آورده است که:

هو الشيخ العارف بذلك الطب القادر على الارشاد و التكميل؛ طبیب روحانی شیخ عارف به این طب روحانی است که توانایی بر ارشادکردن و کامل‌کردن نفوس را داراست. (جرجانی، ۱۴۱۷: ۱۸۲)

فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ غَرَّ هَؤُلَاءِ دِينَهُمْ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿الأنفال/ ۴۹﴾ و دیگر آیات بر مرض شبهه و شک دلالت دارد، و فرموده خداوند: ﴿وَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَهُمُ رَجْسًا إِلَى رَجْسِهِمْ وَمَأْوَاهُمْ كَافِرُونَ﴾ (التوبه/ ۱۲۵) ﴿بِأَنسَاءِ النَّبِيِّ لَسْتُ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنْ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقَلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا﴾ (الأحزاب/ ۳۲)، بر مرض شهوت دلالت دارد.

۳- اهمیت طب روحانی

امام محمد باقر علیه السلام به جابر بن یزید جعفی می فرماید:

بدان که هیچ دانشی مانند خواستن سلامت نیست و هیچ سلامتی مانند سلامت

قلب نیست. (حرانی، ۱۳۶۳: ۳۲۷)^۱

این روایت گویای اهمیت طب جسمانی و افزون تر از آن، اهمیت طب قلب

و روحانی است.

براساس آموزه‌های اسلامی که در اندیشه‌های دانشمندان اخلاق اسلامی، به ویژه اخلاق عرفانی، متجلی است، از جمله اهداف اخلاق دینی، مهرورزی انحصاری به خدای متعال، تخلق به اخلاق الله و قرب حق تعالی است^۲ و آشکار است این مهم بدون سلامت قلب دست یافتنی نیست. عهده‌دار سلامتی قلب، طب روحانی است که نفس انسانی را به سوی سلامتی از بیماری‌های روحانی و صفات درونی می‌کشد. می‌توان به اطمینان گفت ثمره آن همان قلب سلیمی است که قرآن به آن اشاره کرده است؛ زیرا، قلب سلیم چنان جایگاهی دارد که قرآن مجید آن را از ویژگی پیامبران و الامقام دانسته^۳ و آن را تنها شیء گران‌بهای معرفی می‌کند که در روز قیامت به انسان سود می‌رساند.^۴ گویا ثمره تمام فضائل و دوری از رذائل، قلب سلیم است.

۱- «واعلم أنه لا علم كطلب السلامة، ولا سلامة كسلامة القلب».

۲- درباره اهداف اخلاق عرفانی نک: جمعی از نویسندگان، کتاب‌شناخت اخلاق اسلامی، ۴۲.

۳- ﴿وَإِنَّ مِنْ شِيعَتِهِ لَإِبْرَاهِيمَ؛ إِذْ جَاءَ رَبَّهُ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ﴾، (الصافات/ ۸۳ و ۸۴).

۴- ﴿وَلَا تُحْزِنُنِي يَوْمَ يَبْعَثُونَ؛ يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ؛ إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ﴾ (الشعراء/ ۸۷ تا ۸۹).

۴- رابطه طب روحانی و اخلاق

طب روحانی و اخلاق، رابطه‌ای تنگاتنگ دارند. بدون اخلاق نیک نمی‌توان به ثمره آن که همان قلب سلیم است، دست یافت. طب روحانی به اخلاق، هدف والا می‌بخشد و هدف آن را، تخلق به اخلاق الله و قرب حق تعالی قرار می‌دهد. طب روحانی، اخلاق را از اخلاق یونانی و دیگر اخلاق‌هایی که هدفش ثمرات دنیوی، شهرت و خوش‌نامی در میان مردم است، جدا می‌سازد (طباطبایی، ۱۴۱۴: ۱، ۳۵۴ و ۳۵۵)؛ زیرا این‌گونه اهداف شرک‌آلود، در طب روحانی جایی ندارد و ثمره آن، قلب سلیم نخواهد بود، اگرچه در بسیاری از فضائل و رذائل اخلاقی اشتراک دارند.

طب روحانی که برگرفته از روایات است، از جهتی با اخلاق عرفانی که نوعی رویکرد از اخلاق اسلامی است،^۱ سازگار است و بسیاری از مراتب و مقامات مانند: توبه، خوف و ... که در اخلاق عرفانی مطرح است، با طب روحانی، همگون است.^۲ از سوی دیگر، از جهت وابستگی به وحی، با رویکرد اخلاق نقلی^۳ که نوع دیگری از رویکردهای اخلاق اسلامی است، سازگار است.

نکته شایسته دقت آن است که اگر با نگاه طب روحانی به اخلاق بنگریم، در این نگرش (اخلاق بندگی)، خداوند رکن مهم اخلاق اسلامی خواهد بود؛ یعنی صفاتی چون تقوای الهی، اخلاص، خضوع، خشوع برای خداوند، تسلیم فرمان او بودن و ... که در مکاتب اخلاقی دیگر، جایگاهی ندارد، در اخلاق

۱- درباره اخلاق عرفانی و مراتب و مقامات آن و نیز آثار تدوین شده در این زمینه، نک: جمعی از نویسندگان، نویسندگان، کتابشناخت اخلاق اسلامی، ۳۶ تا ۴۸، و ۱۵۸ تا ۲۵۴.

۲- در مقدمه اشاره شد که دیدگاه سیر و سلوک نیز به رویکرد اخلاق عرفانی نزدیک است.

۳- درباره اخلاق نقلی (مأثور) نک: جمعی از نویسندگان، کتابشناخت اخلاق اسلامی، ۵۴ تا ۵۷، و ۲۵۵ تا ۳۲۶.

اسلامی جایگاه ویژه پیدا می‌کند. از سوی دیگر ایمان، اعتقاد صحیح به خدا، پیامبران، پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله، اوصیای اولیای علیهم السلام و ایمان به معاد، از شروط آن خواهد بود؛ (مصباح یزدی، ۱۳۸۴: ۱، ۷۶ تا ۸۴) زیرا بدون بندگی خداوند و اعتقاد صحیح، نمی‌توان به قلب سلیم دست یافت.

همچنین با این نگاه، اخلاق اسلامی از اخلاق یونانی و دیگر رویکردهای اخلاقی و مکاتب اخلاقی امروز که صرفاً اهداف دنیوی را در پیش دارند، متمایز می‌شود؛ زیرا متخلق به اخلاق بودن و داشتن فضائل اخلاقی، بدون آنکه اخلاق بندگی در میان بوده و ایمان و اعتقادات صحیح مقوم آن باشد، ثمره‌ای جز اهداف دنیوی در اخلاق ندارد.

طیبیان طب روحانی

در طب جسمانی برای درمان بیماری‌های جسمی نیاز به طیب است. طیب در طب جسمانی، با آموزش، کسب تجربه و مهارت، معین می‌شود. آموزه‌های طب جسمانی از سوی خداوند، از طریق وحی، به وسیله پیامبران و نیز پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله، تبیین اوصیای ایشان، توسعه آن توسط علماء، تجربه‌ها و نیز علوم بشری، در گذشته و حال، به دست آمده است.

در طب روحانی همانند طب جسمانی طیب لازم است؛ چراکه شناخت بیماری‌های روحانی و درمان آن، درک رابطه آن با ثمره طب روحانی «قلب سلیم» و هدف آن «لقاءالله» به مراتب، پیچیده‌تر از طب جسمانی است. پیش از این در عبارت منقول از علامه مجلسی بیان شد که درمان آن، تنها به وسیله آموزه‌های وحیانی است که از طریق پیامبر صلی الله علیه و آله به ما رسیده است.

در ادامه به طیبیان روحانی و رابطه آن‌ها با بیماران روحانی از دیدگاه روایات می‌پردازیم:

۱- خدای بزرگ

خداوند، طبیب علی‌الاطلاق است. براساس اعتقاد توحیدی، یگانه طبیبِ بیماری‌های جسمانی و روحانی اوست و دیگر طبیبان واسطه‌اند و ارادهٔ آن‌ها در طول ارادهٔ خداوند است. این حقیقت، در قرآن، به نقل از ابراهیم خلیل علیه السلام اشاره شده (الشعراء/ ۸۰) و در دعا‌های مأثور، به آن تصریح شده است. (حرعاملی، ۱۹۶۴: ۱۸۰؛ و نیز در دعای کمیل و دعای جوشن کبیر و ...).

از ویژگی‌های مطرح شده در روایات، در طب روحانی، در ارتباط با خداوند طبیب، مقام تسلیم است. در این مقام، مؤمنان، خود را چون بیماران می‌دانند و خداوند را چون طبیب؛ از این رو تدبیری برای زندگی و امور خود ندارند و صلاح کار خویش به او می‌سپارند و تسلیم فرمان او می‌شوند؛ چنان‌که بیماران جسمی صلاح خویش را به طبیب جسمانی می‌سپارند و هرچه او فرمان دهد می‌پذیرند و تسلیم امر او هستند.^۱

پس در طب روحانی، یکی از ویژگی‌های اخلاقی که در دیگر مکاتب اخلاقی نمودی ندارد، تسلیم فرمان خدا بودن و فرمان‌بری از دستورات و تدبیرهای او در همهٔ امور است؛ نه آنچه خود پیشنهاد می‌دهند و می‌پسندند. از این رو، مؤمنان در تمام اعمال و شئون زندگی خود، آنچه خدا دستور داده و تدبیر کرده است، سرلوحهٔ اعمال و شئون خود قرار می‌دهند.

۱- «قال رسول الله ﷺ: يا عباد الله أنتم كالمرضي، والله رب العالمين كالطبيب، فصلاح المرضي فيما يعلمه يعلمه الطبيب ويديره به، لا فيما يشتهي المريض ويقترحه. ألا فسلموا لله أمره تكونوا من الفائزين»؛ «ای بندگان خدا! شما همانند بیماران هستید و خداوند پروردگار جهانیان، مانند طبیب، پس صلاح بیماران در آنچه طبیب می‌داند و به آن چه تدبیر آن‌ها می‌کند، قرار دارد، نه آنچه مریض می‌خواهد و پیشنهاد می‌دهد. هان! تسلیم فرمان خدا بوده تا از رستگاران باشید.» (طبرسی، ۱۹۶۶: ۱، ۴۵). [توضیح آنکه:

روایت، تسلیم در امور تکوینی و تشریحی، هر دو را در برمی‌گیرد.]

مقام تسلیم بر کل اخلاق سایه افکنده و ویژگی‌های اخلاقی دیگری را در انسان نهادینه می‌کند؛ به بیان دیگر مقام تسلیم با اعتقاد به حکمت خداوند، نگرش انسان را به خدا و خلق و مخلوقات نیکو می‌گرداند و حسن ظن به آن‌ها را به دنبال دارد. همچنین صبر در برابر مشکلات، آرامش، قناعت و ... را برای انسان به ارمغان می‌آورد.

دیگر ویژگی مطرح شده در روایات، در طب روحانی، در ارتباط با خداوند، پرهیز از دنیاست. خداوند به عنوان طبیب روحانی، مؤمنان را از دوستی دنیا پرهیز می‌دهد؛ همچون طبیب جسمانی که بیماران خود را از غذاهای لذیذ که برای آنان زیان‌آور است، پرهیز می‌دهد.^۱ از این‌رو خداوند گاه معیشت مؤمنان را تنگ می‌گرداند؛ زیرا با آنکه مؤمنان خواهان دنیا هستند، خداوند طبیب، صلاح آنان را در دوری از دنیا می‌داند و حتی اگر دنیا نیز در اختیار آنان قرار داده شود، سفارش بی‌رغبتی به آن را دارد. این همان صفت زهد است که ریشه دنیا دوستی، حرص، ولع، طمع و بسیاری دیگر از صفات مذموم اخلاقی که دوستی دنیا را در پی دارد، از ریشه نابود می‌کند؛ چراکه دوستی دنیا نقطه شروع هر اشتباهی است (الکلینی، ۱۳۶۷: ۲، ۱۳۱) و زهد و دوری از دنیا سبب نجات از آن است.

طیب بودن خداوند در طب روحانی، از چند جهت، نگرش ما را به اخلاق متمایز می‌سازد:

۱- قال أبو جعفر عليه السلام: «إن الله يتعهد عبده المؤمن بالبلاء، كما يتعهد الغائب أهله بالهدية، ويحميه عن الدنيا كما يحمي الطبيب المريض»؛ «همانا خداوند از بنده مؤمن خود به وسیله بلا و سختی دلجویی می‌کند، چنان‌که کسی که دور از خانواده خود است، آن‌ها را به وسیله هدیه دلجویی می‌کند و او را از دنیا پرهیز می‌دارد، چنان‌که طبیب، بیمار را پرهیز می‌دارد.» (حرانی، ۱۳۶۳: ۳۴۴، در این باره نک: الکلینی، ۱۳۶۷: ۲، ۲۵۵)

۲- عن الامام علی بن الحسین عليه السلام: «حب الدنيا رأس كل خطيئة».

۱. اعتقاد داشتن به خدا و ماوراءالطبیعه در اخلاق؛ چنان‌که در بیشتر مکاتب اخلاقی امروز، اعتقاد به خدا در آن جایی ندارد؛
۲. سوق دادن اخلاق از خودگرایی (محوریت فرد) به خداگرایی و اخلاق بندگی و تسلیم در برابر خدا و از لذت‌گرایی و سودگرایی و دنیاگرایی، به زهد و دوست‌نداشتن دنیا؛
۳. مهرورزی انحصاری به خدای متعال و تخلق به اخلاق الله و قرب حق تعالی؛ چراکه از اهداف دانش اخلاق و ثمره آن، قلب سلیم است. در سایر نگرش‌ها اهداف مادی، هدف اخلاق است که پیش از این به آن تصریح شد.

۲- پیامبران و امامان علیهم‌السلام

پیامبران و از جمله آنان پیامبر خاتم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و نیز جانشینان به حق ایشان، امامان معصوم علیهم‌السلام، طبیبان روحانی مردم‌اند. از این رو امیرمؤمنان علیه‌السلام در وصف پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید:

پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم طبیعی است که بین بیماران یا در بیماری‌ها، طب خود را می‌گرداند، درحالی‌که، مرهم‌های خود را به‌خوبی ساخته و داغ‌هایش^۱ را آماده کرده است. آن‌ها را هر جا که نیاز باشد، قرار می‌دهد؛ بر دل‌های کور و گوش‌های ناشنوا و زبان‌های لال، با داروهای خود مصادیق غفلت و سرگردانی را می‌جوید و معالجه می‌کند. (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۰۸، نسخه معجم‌المفهرس)^۲

۱- روشی که در گذشته از آن برای نابودکردن عفونت‌ها، بهره می‌بردند.

۲- قال علیه‌السلام فی ذکر رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم: «طیب دوار بطبه، قد أحکم مراهمه وأحمی مواسمه، یضع ذلك حیث الحاجة إلیه، من قلوب عمی وأذان صم وألسنة بکم، ومنتبع بدوائه مواضع الغفلة ومواطن الحیرة».

پیامبر طیب روحانی است که خود به سراغ بیماران یا بیماری می‌رود و منتظر نمی‌ماند؛ چنان‌که دیده شد حضرت عیسیٰ علیه السلام از خانه زن بدکاره‌ای که آشکارا به بدکاره‌ای مبادرت می‌ورزید، در حال خارج شدن بود؛ به او گفته شد: اینجا چه می‌کنی؟ فرمود: جز این نیست که طیب به سوی بیماران می‌آید. (مجلسی، ۱۴۱۲، ۷۵، ۴۷۰)^۱

امامان معصوم نیز که جانشینان به حق و شایسته پیامبران هستند، این چنین‌اند. از این رو امیرمؤمنان علیه السلام طیب دنیا و آخرت شمرده شده است. (ابن شهر آشوب مازندرانی، ۱۹۵۶: ۳، ۵۲)

از آن‌جا که انبیاء و اولیاء طیب‌اند، برخی از اسرار و معارف را در اختیار جمعی قرار می‌دهند و از برخی دیگر دریغ می‌ورزند؛ زیرا دانستن اسرار و معارف برای جمعی شفاء است و برای گروهی دیگر سبب گمراهی و کفر می‌شود؛ از این رو آنان به اندازه خرد مردم با آنان سخن می‌گویند. (مدنی شیرازی، ۱۴۱۵: ۴۲۸)

در این‌جا نیز طیب بودن پیامبران و امامان علیهم السلام در طب روحانی، نگرش ما را به اخلاق از چند جهت، متمایز از دیگر نگرش‌ها می‌سازد:

۱. اعتقاد به پیامبران از جمله آخرین پیامبر صلی الله علیه و آله، شرط رسیدن به هدف دانش اخلاق (مهرورزی انحصاری به خدای متعال، تخلق به اخلاق الله و قرب حق تعالی) و به ثمره آن (قلب سلیم) است.

ب) از آن‌جا که پیامبران و امامان معصوم‌اند، گفتار و کردار و سیره آنان الگوی اخلاقی کاملی برای رسیدن به هدف اخلاق است.

۱- رئی المسیح علیه السلام خارجاً من بیت فاجرة مجاهرة بالفجور قلیل: یا روح الله ما تصنع هاهنا؟ فقال: إنما یأتی الطیب المرضی».

۳- عالمان

در روایات، عالمان نیز از طبیبان روحانی شمرده شده‌اند؛ ولی هر عالمی شایسته تصدی این مقام نیست. ویژگی‌های برجسته عالمان روحانی که در روایات به آن اشاره شده است، عبارت است از:

دوست‌دار دنیا نبودن

در حدیث امیرمؤمنان علیه السلام از حضرت عیسی چنین آمده است: «دنیاطلبی درد دین است و عالم، طبیب دین. پس اگر دیدید که طبیب، درد را به سوی خود می‌کشد او را متهم سازید و بدانید که او خیر خواه دیگران نیست» (حرعامل، ۱۳۷۶، ج ۱: ۶۰۸).^۱

رفیق‌بودن و مهربان‌بودن

از دیگر ویژگی طبیب روحانی: رفیق‌بودن و مهربانی‌کردن با بیماران روحانی است. طبیب روحانی از سر دل‌سوزی و همراهی با بیماران خود، به مداوای آن‌ها می‌پردازد؛ از این رو او خود در پی بیماران است و از آنان دلجویی می‌کند؛ هر چند مردم متدین، چنین بیمارانی را به دلیل آلودگی به گناهان و اخلاق ناشایست، از خود دور می‌کنند؛ ولی طبیب روحانی عالم، برای جذب آنان، با مهربانی و رفیق‌بودن اقدام می‌کند. داستان‌های بازگشت فاسقان و فاجران شرور و پذیرفته‌شدن آنان از سوی طبیبان روحانی (خدا، پیامبران، امامان و عالمان روحانی) در طول تاریخ دین‌داری، در میان دینداران، مشهور و در کتب اخلاقی نوشته شده است. (در این باره نک: مجلسی، ۱۳۶۳:

۱- عن أمير المؤمنين عليه السلام في حديث قال: قال عيسى: «الدنيا داء الدين والعالم طبیب الدين، فإذا رأيتم الطیب یجر الداء إلي نفسه، فاتهموه واعلموا أنه غير ناصح لغيره».

۱۹۲ تا ۱۹۹) غالب این نافرمانی‌ها از سر نادانی است. طبیب روحانی، انسان‌های نادان که به دلیل نادانی از مسیر حق دور شده‌اند را، همچون بیمار می‌داند و به مداوای جهل آنان می‌پردازد.^۱ سخن گهربار امیرمؤمنان علیه السلام:
مانند طبیبِ مهربان و رفیق باش، که دارو را آن‌جا که سودمند است، به کار می‌گیرد (منسوب به امام صادق علیه السلام، ۱۴۰۰: ۲۱؛ و نزدیک به الفاظ این روایت نک: مجلسی، ۱۴۱۲: ۲، ۵۳).^۲
به این دو ویژگی دلالت دارد.

سودمندبودن

از دیگر ویژگی عالمان طبیب، سودمندبودن است.^۳ آنان دردها و درمان‌ها را می‌شناسند و از سر دل‌سوزی به درمان بیماران می‌پردازند. آنان چون خودساخته‌اند و با درد و درمان آشنا نیستند، در درمان تردیدی ندارند. سخن و عمل آنان خود رهنمای شفابخش برای دیگران است. به دلیل همین سودمندی، آنان در هر مکان و برای همه کس درمان خود را ارائه نمی‌کنند و تنها در اختیار اهلیش می‌گذارند؛ زیرا قراردادن حکمت در اختیار ناهل سودی ندارد.
یادآوری می‌شود که معلم نیز از طبیبان روحانی است. شهیدثانی رحمته الله نقش او را چون طبیب دانسته است؛ در رعایت حال متعلمان و تشویق به‌جا و دوی جهالتشان، به اقتضای شرایط هر شاگردی. (شهید ثانی، ۱۳۶۸: ۱۹۴، ۱۹۸، ۲۰۳ و ۲۴۷)

-
- ۱- قال علی علیه السلام: «ینبغي للعاقل أن یخاطب الجاهل مخاطبة الطیب المریض»؛ «شایسته برای عاقل آن است که گفت‌وگویش با نادان مانندگفت‌وگوی طبیب با بیمار باشد.» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۵۵)
 - ۲- قال امیرالمؤمنین علیه السلام: «کن کالطیب الرفیق الشفیق الذی یدع الدواء بحیث ینفع».
 - ۳- در این باره به روایت مذکور پیشین مراجعه شود.

در این جا نیز طبیب بودن عالمان در طب روحانی نگرش ما را به اخلاق تغییر می دهد و آن این است که: در نبود پیامبران و امامان، در رسیدن به هدف اخلاق به طبابت عالمان دین نیاز است؛ با این وصف هر عالمی نمی تواند طبیب باشد. مهم ترین ویژگی عالم طبیب، دوست دار دنیا نبودن است. (این تمایزی آشکار است؛ چراکه در دیگر مکاتب اخلاقی، پرداختن به این گونه مباحث جایی ندارد.)

هرکسی طبیب روحانی خویش است

هر انسانی طبیب روحانی خویش است و از جهتی نخستین طبیب و مهم ترین طبیب؛ زیرا اگر انسان خواهان هدایت و اصلاح خویشتن نباشد، هیچ کس توانایی اصلاح او را ندارد و در سنت خدای بزرگ، چنین مقدر شده است که انسان با اراده و اختیار، مسیر خود را بیماید؛ (انسان/۳) اگرچه این سخن به معنای بی نیازی از خداوند و دیگر طبیبان روحانی نیست.

پیامبر ﷺ در سفارش خود به ابوذر در این باره فرموده اند:

... همانا تو طبیب نفس خویش قرار داده شده ای و نشانه سلامتی را به تو شناسانده اند و درد برای تو بیان شده است و بر دارو هدایت شده ای. (طبرسی، ۱۴۱۸: ۴۲۹)^۱

همین روایت از امام صادق علیه السلام در سفارش به مردی، با اندکی جابه جایی در الفاظ، نقل شده است. در پایان آن، امام صادق علیه السلام به او فرموده است:

پس بنگر چگونه باید بر نفس خود بیاخیزی! (کلینی، ۱۳۶۷: ج ۲، ۴۵۴)^۲

۱. «یا ابن جنذب ... فانك قد جعلت طبیب نفسك وعرفت آية الصحة و بين لك الداء، ودلت علي الدواء».

۲. عن أبي عبد الله عليه السلام قال لرجل: «إنك قد جعلت طبیب نفسك و بين لك الداء، وعرفت آية الصحة، ودلت علي الدواء، فانظر كيف قيامك علي نفسك».



در اخلاق اسلامی، با نگاه طب روحانی، همهٔ دردها و بیماری‌های اخلاقی در قالب گناهان و ردائل اخلاقی بیان شده و نشانه‌های سلامتی، در قالب فضائل اخلاقی معرفی شده است. درمان این ردائل و چگونگی آراسته شدن به فضائل اخلاقی از زبان وحی، برای همگان مشخص شده است. کتب اخلاق روایی و تبیین عالمان اخلاق الهی عهده‌دار آن است.

بیماران طب روحانی

از دیدگاه طب روحانی همهٔ انسان‌ها، بیماران طب روحانی هستند. انسان‌ها بدون استثناء در این دنیا در مسیر تکامل قرار دارند و باید با اردهٔ خویش، خود را از حسیض خاک به اوج افلاک و از عالم ظلمات به عالم نور و از ناسوت به ملکوت و لاهوت برسانند. انسان‌ها در این مسیر همچون بیمارانی هستند که برای دستیابی به هدف بزرگ اخلاقی «قرب خداوند» با راهنمایی طبیبان روحانی از بیماری‌ها و ردائل اخلاقی دور می‌شوند و شفای خود را در فضائل اخلاقی می‌جویند.^۱

وظایف ویژهٔ بیماران روحانی که در روایات و برداشت‌های برخی از عالمان اخلاقی منعکس شده است، عبارت است از:

۱- پرداختن به اصلاح نفس

مهم‌ترین وظیفهٔ بیماران روحانی، اقدام و عزم به اصلاح نفس خویشتن است. هر بیماری باید به فکر مداوای خود باشد. اگر درد کهنه شد و شاکلهٔ

۱- در این باره نک: به آیات: ﴿لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَن تَقْوِيمٍ؛ ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ؛ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ﴾، «ما انسان را در بهترین صورت و نظام آفریدیم؛ سپس او را به پایین‌ترین مرحله بازگردانیم؛ مگر کسانی که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده‌اند که برای آن‌ها پاداشی تمام‌نشدنی است.» (التین، ۴ تا ۶).

انسانی با بیماری‌های روحی شکل گرفت (رنگ خدایی به خود نگرفت)، تغییر دادن آن بسیار دشوار است. گفته شد: همهٔ انسان‌ها بیماران روحی هستند و فرصت عمر برای اصلاح خویشتن و حرکت به سوی عالم نور و قرب به حق تعالی است. پیش از ازدست‌دادن فرصت‌ها باید نفس اصلاح گردد و بیماری‌ها درمان شود. در کتاب، سنت، سخنان امامان معصوم علیهم‌السلام و سیرهٔ آن بزرگواران و نیز تبیین عالمان ربانی، درد و درمان معرفی شده است.

ازدست‌دادن فرصت‌ها و اقدام نکردن بر اصلاح نفس، سبب دشواری درد می‌شود و انسان بیمار در درمان آن درمانده شده و طبیعی نیز برای آن نمی‌یابد.^۱

۲- پیروی از طبیبان روحانی

بیمار جسمی، سخن طبیب را بی‌قید و شرط می‌پذیرد و بر طبیب اعتراضی ندارد؛ اگرچه نداند او چرا این‌گونه طبابت کرده است. در حقیقت او از طبیب تقلید می‌کند و او را در کار خود متخصص می‌داند.

طبیب روحانی نیز باید چنین باشد؛ بلکه این‌جا پیروی کردن و پذیرش سخن طبیب روحانی بدون قید و شرط لازم‌تر است؛ زیرا طبیب روحانی مهربان‌تر و دلسوزتر است و سخن وی از مصدر وحی و عصمت است و جایی برای چون و چرا نمی‌ماند.

بسیاری از دستورات صادرشده از طبیبان روحانی برای دیگر انسان‌ها، فهم‌ناشدنی است و عقل انسان‌ها به آن راه ندارد؛ اما از آن‌جا که آنان طبیب‌اند و

۱- عن علی علیه‌السلام: «من لم يتدارك نفسه باصلاحها أعضل دائه وأعي شفاؤه وعدم الطيب»؛ «کسی که نفس خود را با اصلاح آن در نیابد، دردش سخت شود و از درمانش عاجز گردد و طبیعی برای آن نیابد.» (تمیمی آمدی،

در کار خود تخصص دارند، باید سخنان آنان را بدون قید و شرط پذیرفت و جای هیچ‌گونه اعتراضی نیست. از سوی دیگر، اطاعت از طبیبان روحانی، به دلیل اتصال آنان به منبع وحی، لازم است و جایی برای مخالفت باقی نمی‌ماند. این جاست که نقش اعتقاد به انبیاء و اولیاء در پیروی از آنان عیان می‌گردد. (در این باره نک: مدنی شیرازی، ۱۴۱۵: ۳۳۲ و ۳۵۳)

۳- آمادگی برای پذیرش

همان‌طور که بیمار جسمی باید از غذاهایی که بیماری را تشدید می‌کند یا مداوای طبیب را بی‌اثر می‌کند، چه در حال حضور طبیب و چه در غیاب او، پرهیز کند تا ضمن مداوا، طبیب را برای ادامه درمان امیدوار سازد؛ بیمار روحانی (روحی) نیز می‌بایست از اموری که بیماری او را تشدید می‌کند پرهیز کند، تا طبیب را به مداوا امیدوار سازد. اموری مانند: کینه، حسادت، غضب، شهوت، کبر و خودبینی، مانع مداوای طبیب روحانی هستند و با وجود آن‌ها بیماری بهبودی ندارد و طبیب روحانی را از ادامه درمان نومید می‌سازد، به‌ویژه آنکه طبیب روحانی دانش خود را در اختیار کسانی قرار می‌دهد که از خود شایستگی نشان دهند و اهلیت شاگردی او را داشته باشند؛ چراکه رابطه طبیب روحانی با بیمارش مانند رابطه معلم (استاد) و شاگرد اوست. (شهید ثانی، ۱۳۶۸: ۲۴۲)

۴- عمل کردن به دستورات

عمل کردن به دستورات، از وظایف بیمار است؛ زیرا نسخه طبیب بدون عمل کردن سودی ندارد. اگر بیمار هزار بار نسخه طبیب را بخواند، بنویسد، به

دیگران بیاموزد یا نسخه طبیب را به انواع زینت‌ها تزئین کند؛ ولی آن را به کار نیندد، بهبود نخواهد یافت.

در بیمار روحانی نیز چنین است؛ اگر دستورات طبیبان روحانی را به کار نیندد، بیماری‌های قلبی بهبود نخواهد یافت و به قلب سلیم که ثمره طب روحانی است، دست نخواهد یافت. (کفعمی، ۱۴۱۳: ۱۶۵)

نتیجه‌گیری

در این مقاله، براساس دیدگاه طب روحانی در برخورد با مسائل اخلاقی، تحلیل و تبیین نگارنده از روایات وارده در این باب، ارائه شده است. روایات یادشده نگاه ما را از اخلاق اسلامی دگرگون می‌سازد و آنچه را که از اخلاق اسلامی انتظار می‌رود، دست‌یافتنی‌تر می‌کند. اخلاق اسلامی با این نگرش، از اخلاق با اهداف مادی و صرفاً دنیوی متمایز می‌شود. در این نگاه ثمره اخلاق، قلب سلیم است و اخلاق بندگی و ویژگی‌های معنوی که در دیگر مکاتب اخلاقی از آن خبری نیست، برجسته می‌گردد. طبیبان روحانی، خدای بزرگ، پیامبر، امامان عَلَيْهِمُ السَّلَامُ و عالمان روحانی هستند که هر یک رابطه ویژه با بیماران خود دارند. خود انسان نیز از طبیبان روحانی است. عالمان طبیب و نیز بیماران روحانی هر یک ویژگی‌ها و وظایفی دارند که بدون به‌کارگیری آن‌ها نمی‌توان به ثمره اخلاق (قلب سلیم) دست یافت. دوست‌دار دنیا نبودن، رفیق بودن، مهربان بودن و سودمندبودن از ویژگی‌های عالمان طبیب روحانی است. پرداختن به اصلاح نفس، پیروی از طبیبان روحانی، آمادگی برای پذیرش و عمل کردن به دستورات، از وظایف بیماران روحانی است.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه، نسخه معجم المفهرس.
۳. ابن شهر آشوب مازندرانی، ۱۹۵۶، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، نجف اشرف: مطبعة الحيدرية.
۴. اذکائی، پرویز، ۱۳۸۴، حکیم رازی، چاپ دوم، تهران: طرح نو.
۵. ارفع، سید کاظم، ۱۳۷۳، طب روحانی، چاپ اول، تهران: صریر قلم.
۶. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، ۱۳۶۶، تصنیف غررالحکم و دررالکلم، چاپ اول، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۷. جرجانی، علی بن محمد (میر سید شریف)، ۱۴۱۷، التعريفات، چاپ سوم، بیروت: دار الكتاب العربي.
۸. الجوزی، ابن القيم، الطب النبوی، بی تا، بیروت: دار الکتب العلمیة.
۹. حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۹۶۴، الجواهر السنیة، النجف الأشرف: النعمان للطباعة و النشر.
۱۰. حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۳۷۶، الفصول المهمة فی أصول الأئمة، چاپ اول، قم: مؤسسه معارف اسلامی (امام رضا علیه السلام).
۱۱. حر عاملی، محمد بن حسن، بی تا، وسائل الشیعة، چاپ دوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۲. حرانی، ابن شعبه، ۱۳۶۳، تحف العقول، چاپ اول، تهران: انتشارات علمیه اسلامیة.
۱۳. شهید ثانی، زین الدین بن علی بن احمد، ۱۳۶۸، منیة المرید فی آداب المفید و المستفید، چاپ اول، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.

۱۴. طباطبائی، محمدحسین، ۱۴۱۴، *المیزان*، چاپ چهارم، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۱۵. طبرسی، احمد بن علی، ۱۹۶۶، *الاحتجاج*، النجف الأشرف: النعمان للطباعة و النشر.
۱۶. طبرسی، علی، ۱۴۱۸، *مشکوٰۃ الانوار*، چاپ اول، تهران: دار الحديث.
۱۷. کفعمی، ابراهیم، ۱۴۱۳، *محاسبة النفس*، چاپ اول، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۱۸. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۶۷، *الکافی*، چاپ سوم، تهران: دارالکتب الاسلامیة.
۱۹. مجلسی، محمدباقر، ۱۴۱۲، *بحار الانوار*، چاپ اول، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
۲۰. مجلسی، محمدباقر، ۱۳۶۳، *عين الحیوة*، چاپ دوم، تهران: انتشارات رشیدی.
۲۱. محقق، مهدی، ۱۳۵۲، *فیلسوف ری محمدین زکریای رازی*، تهران: مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مک گیل، شعبه تهران.
۲۲. محمد بن یعقوب، ۱۳۶۵، *الکلینی، الکافی*، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الاسلامیة.
۲۳. محمدی ری شهری، محمد، ۱۳۸۳، *موسوعة الاحادیث الطبیة*، چاپ اول، قم: دارالحديث.
۲۴. محمودی، محمدباقر، بی تا، *نهج السعادة فی مستدرک نهج البلاغة*، بیروت: مؤسسه العلمی للمطبوعات.

۲۵. مدنی شیرازی، سید علی خان، ۱۴۱۵، ریاض السالکین فی شرح صحیفه الساجدین، چاپ چهارم، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۲۶. مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۸۴، اخلاق در قرآن، به قلم: شیروانی، علی، چاپ سوم، قم: دارالفکر.
۲۷. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۸۷، اخلاق در قرآن، چاپ پنجم، قم: امام علی بن ابی طالب (علیه السلام).
۲۸. منسوب به امام صادق (علیه السلام)، ۱۴۰۰، مصباح الشریعة، چاپ اول، بیروت: مؤسسه اعلمی للمطبوعات.
۲۹. نمازی شاهرودی، ۱۴۰۵، علی، مستدرک سفینه البحار، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.

مقالات

۱. فرامرز قراملکی، احد، ۱۳۹۰، «نظریه خودشناسی رازی در طب روحانی و جایگاه آن در نظام اخلاقی وی»، فصلنامه انسان پژوهشی دینی، شماره ۲۵، قم، مجتمع آموزش عالی شهید محلاتی نمایندگی ولی فقیه در سپاه.
۲. محقق، مهدی، طرفداری، ۱۳۸۹، علی محمد، «فلسفه اخلاق یا طب روحانی در اسلام»، بررسی‌های نوین تاریخی، شماره ۶ و ۷، تهران: مرکز تحقیقات هنر، معماری و شهرسازی نظر.